

**خانم درگاهی**، زنان خیلی کمتر این جسارت را دارند که در ورزش ایران برای به‌دست آوردن **صن‌دلی ریاست** فدراسیون تلاش کنند و معمولاً آنها را در سمت‌هایی مانند نایب‌رئِسی می‌بینیم، ولی شما از این لحاظ جزء **استثناها** هستید. **چطور چنین تصمیمی گرفتید؟**
من بیش از ۴۰ سال است که در ژئمناسْتیک هستم. از زمانی که خیلی کوچک بودم، به‌عنوان ورزشکار در این رشته حضور داشتم، در مقاطع مختلف قهرمان ملی، مربی تیم ملی، داور بین‌المللی و مربی بین‌المللی بودم و «لول یک» فدراسیون جهانی ژئمناسْتیک آکادمی را دارم. پله‌پله مسیر ژئمناسْتیک را طی کردم و بالا آمدم و سرانجام در سال ۱۳۹۵ زمانی که فدراسیون ژئمناسْتیک برای ثبت‌نام نامزدهای ریاست اقدام کرد، احساس کردم این همان جایی است که من می‌توانم کاری کنم که ماندنی باشد. به سفرهای استانی می‌رفتم، از من می‌پرسیدند تو که پزشک هستی -مطب پرورفتی هم داشتیم و جزء پزشکان تقریباً پردرآمد در رشته خودم محسوب می‌شدم- چرا می‌خواهی بیایی رئیس فدراسیون ژئمناسْتیک شوی؟ جواب من را می‌شناخت، به من اعتماد کرد. برنامه‌های مدونی را اما از جنس مادی نیست. دلم می‌خواهد ۵۰ سال بعد، روزی که من احتمالاً نیستم و کسی خواست راجع به ژئمناسْتیک فقط چهار خط بنویسد، در یکی از آن سطرها مجبور شود این دوره را به‌عنوان بخش مهمی از تاریخ ژئمناسْتیک ذکر کند. با این انگیزه وارد شدم، ثبت‌نام کردم و خوشبختانه خانواده ژئمناسْتیک که به نیکنامی از قدیم من را می‌شناخت، به من اعتماد کرد. برنامه‌های مدونی را که همراه خودم در سفرهای استان برای جلب آرای اعضای مجمع می‌بردم، یک برنامه هشت‌ساله بود و نقاط هدف‌گذاری‌شده در آن برنامه به‌عنوان سند جامع تحول ژئمناسْتیک ایران نوشته شده بود و به صورت مستند و مکتوب به اعضای مجمع این سند را دادم. سندی که به اعضا قول دادم اگر انتخاب شدم، می‌توانید به‌عنوان «چک‌لیست» کارهای من هم آن استفاده کنید و اگر وعده‌ای را در اینجا نوشتم و نتوانستم عملی کنم، می‌توانید ببایید من را مواخذه و بازخواست کنید که شما مدیری هستی که قول دادی و عمل نکردی. با این روحیه وارد فضای فدراسیون شدم و خوشبختانه اعضای مجمع به من رای دادند. در آن برنامه سند جامع، سال سوم تا پنجمش ما مدال بازی‌های آسیایی را نوشته بودیم. در سال اول حضور من یعنی سال ۹۶ وقتی برای بازی‌های آسیایی سال ۹۷ جاکارتا صحبت می‌کردیم، بحث این بود که یک ژئمناست یا دو ژئمناست اعزام شود، اصلاً اعتقادی به ژئمناسْتیک نبود و فقط احترامی بود که صرفاً به خاطر پایه و مادرِیون این ورزش قابل بودند که بالاخره ژئمناسْتیک هم حضور داشته باشد. نه توقعی از ژئمناسْتیک بود، نه کسی ژئمناسْتیک را جدی می‌گرفت. در زمانی که باور چندان به این رشته وجود نداشت، ما قول مدال بازی‌های آسیایی سال سوم تا پنجم حضورمان در فدراسیون را دادیم و این مدال در هانگژو کسب شد. در همان سند، سال پنجم تا هشتم کسب سهمیه المپیک ۲۰۲۴ در پراتنز قطعی را ذکر کرده بودیم و این همان سهمیه‌ای است که دیدیم بعد از ۶۰ سال برای بار اول گرفته شد. این اتفاق آن‌قدر رویداد فوق‌العاده‌ای بود که سایت IOC از این یاد کرد. برای المپیک سهمیه‌های زیادی گرفته می‌شود اما IOC فاند آن سهمیه‌ها را که خیلی خاص هستند، ذکر می‌کند و ما جزء آن خاص‌ها بودیم. نه‌تنها این افتخار برای ما به اندازه یک مدال طلا می‌ارزید، بلکه در المپیک هم حضور خوبی داشتم.

**بنابراین نباید آنچه را در المپیک شاهد بودیم، صرفاً یک اتفاق بدانیم؟**

در اولین حضورمان که قریب ۶۰ سال به آن نرفته بودیم، توانستیم به فینال برسیم. در فینال المپیک با نتیجه هفتمی کار را به پایان رساندیم. همان‌جا من که در سالن بودم، تبریک رسمی رئیس فدراسیون جهانی ژئمناسْتیک را دریافت کردم، همراه با موجی از شگفتی که سطح ایران چقدر متحول شده. شاید خدا به نیت من بیشتر از آن چیزی که می‌خواستیم، نگاه کرد؛ چون یادم هست در نشریه فوریه ۲۰۱۸، فدراسیون جهانی ژئمناسْتیک برای بار اول در این مجله جمله small piece of history را درج کرد؛ «قطعه کوچکی از تاریخ» در ژئمناسْتیک ایران شکل گرفته است. این مسئله بعد از اولین کسب سهمیه المپیک جوانان بود که برای اولین بار شرکت کردیم و توانستیم مدال برنز را هم بگیریم. ژئمناسْتیک ایران شگفتی‌ساز جهان در سال‌های اخیر بوده است، ما دچار یک دگردیسی عظمی شدیم. منتقد و غیرمنتقد اذعان دارند که ژئمناسْتیک امروز با ۱۰ سال پیش که آمار اعزام‌های‌مان صفر بود و مسابقات قهرمان کشوری کنسل می‌شد، خیلی متفاوت است. امروز ما در قله ایستاده‌ایم. حدود دو ماه پیش ما قهرمان طلای المپیک پاریس را در اوج آمادگی، نه اینکه ایشان شرایط خوبی نداشته باشد، بردیم. یک ایرانی، روی سکوی اول ایستاد، پرچم ایران در سالن به اهتزاز درآمد، همراه با ثبت یک حرکت جدید به نام ورزشکار ایرانی. ما برنده مدال طلای قهرمانی آسیا شدیم؛ آسیایی که مهد کهن ژئمناسْتیک جهان است.

**نگاه وزارت ورزش هم همین نگاه توسعه‌طلبانه و خواهان پیشرفت به ژئمناسْتیک است یا شما خودتان براساس دیدگاه و «ویژنی» که دارید، برنامه‌ها را پیش می‌برید؟ می‌خواهم بدانم که در دل سیاست‌ور و نظام ورزش کشور چقدر به ژئمناسْتیک بها داده می‌شود.**

اگر صادقانه بخواهم به سؤال شما پاسخ بدهم، ما همیشه تنهایی را عمیقاً احساس کردیم. در تمام مراحل کار تنها بودیم. کم پیش آمده که از وزارتخانه حمایت ملموسی را حس کنیم. دوره آقای کیومرث هاشمی که استثنای بود. استثنای کوتاه‌مدتی که مثل یک خواب نیم‌روزی بود و خیلی سریع به پایان رسید. اما من سالی که در فدراسیون دوره اول حضور داشتم، یک سری ماجراها درست شد. من سیاسی نیستم. شاید مشکل بزرگ من این باشد، من یک خانم هستم و مشکل بزرگ‌تر هم این است. این دورا با هم جمع بنیزید، تبدیل به یک فاجعه مدیریتی می‌شود. من به جای اینکه برای دیگر زنان الگو باشم، تبدیل به درس عبرت شدم. دشواری و مشقت بسیاری در این راه تحمل کردیم. کاش می‌گذاشتند که فقط کار کنیم. ما با انبوهی از پرورنده‌سازی‌ها از اول مواجه بودیم که تازگی ندارد. اما فشارها الان به طرز عجیب‌وغریبی روی ما زیاد شده و کارکردن را برای ما واقعاً سخت کرده است. منافع ملی ما و رشته ژئمناسْتیک در حال حاضر با این پرورنده‌سازی‌ها و با ماجراهایی که برای فدراسیون ژئمناسْتیک، هم‌کارانم و من درست می‌کنند، آسیب می‌بیند. ما «ورد چمپیون‌شیپ» در بخش بزرگسالان و جوانان را که قرار بود مهر و آبرن برگزار شود و شرکت کنیم، از دست دادیم. به خاطر اینکه یک‌سری اتفاقات در فدراسیون افتاد. «دیفینیتیو» و مراحل پایانی ثبت‌نام را نتوانستیم تکمیل کنیم. من این را صادقانه عرض می‌کنم که فشارهایی که از بیرون روی ژئمناسْتیک آمد، باعث شد ما دو رویداد بزرگ را که اردوهای تیم ملی‌اش در حال برگزاری بود و نتیجه هم می‌گرفتیم، از دست بدهیم. آیا شما فکر می‌کنید کسی که دو ماه پیش در پروموتی آسیا طلا گرفته، در «ورد

چمپیون‌شیپ» حرفی برای گفتن ندارد؟ تازه ما فقط طلا نگرفتیم، ما یک نقره و یک برنز هم گرفتیم. این‌قدر درخشش این طلا زیاد بود که آن قهرمانان دیگر ما متأسفانه در حد و اندازه خودشان دیده نشدند. یادمان نرود حتی آن برنز آرزوی ژئمناسْتیک ایران بود. کی ما چنین نتایجی می‌گرفتیم که برویم رقابت‌های قهرمانی آسیا و سه مدال در کیف‌نام بگذاریم و برگردیم؛ طلا، نقره و برنز. طبیعتاً فکر می‌کنم وقتی این پچه‌ها از یک مسابقه بازمی‌مانند، یک نفر باید پاسخ‌گو باشد. آن فرد ما نیستیم، چون کارمان را درست انجام دادیم. امروز کلاس‌های آنلاین داوری ثبت‌نامش در حال اتمام است و ما امکان ثبت‌نام را بنا بر دلیلی نداریم.

**شما نقد خیلی تندی درباره وزارت ورزش انجام می‌دهید. نگران نیستید با این صحبت‌ها شرایط را برای خودتان سخت‌تر کنید؟**

سخت هست. نمی‌دانم از این سخت‌تر می‌شود یا نه، امیدوارم که نشود. در ضمن بحث وزارت ورزش نیست؛ بحث یک مجموعه است. این مجموعه کار را برای فدراسیونی که با آرامش کارش را انجام می‌دهد و سعی می‌کند به دور از حاشیه باشد سخت کرده و نتیجه را درواقع هدف قرار داده و سعی می‌کند کرامت و عزت ملی ایران را که در آن توانستیم حرف برای گفتن داشته باشیم، با یک ترمز مواجه کند. افرادی که این ترمز را گرفته‌اند، باید پاسخ‌گوی افکار عمومی و جامعه باشند.

**یعنی می‌خواهید بگویید که عدالت جنسیتی وجود ندارد یا برابری جنسیتی به دلیل زود بودن شما نیست؟**

بگذارید جواب این سؤال را محافظه‌کارانه بگویم، امیدوارم که گرفتار این قضیه نشده باشیم. اما یادمان نرود من اولین زن رئیس فدراسیون المپیکِی تاریخ ورزش ایران هستم. قبلاً در فدراسیون یوگان خانم گیلائی بودند. این اواخر هم خانم پریدر برای طرح‌ن انتخاب شدند، ولی این دو رشته، رشته‌های غیرالمپیکِی هستند. واقعیت این است بحثی که چالش و جنجال حسابی دارد و به نوعی در کوربان رقابت‌های جهانی قرار گرفته، یک فدراسیون المپیکِی معتبر است که شما می‌دانید ۱۰ سال پیش برای کشورهای دیگر رنگ تفریح بود. اما ما کرسی جهانی گرفتیم، کرسی آسیایی گرفتیم، مدال‌های متعدد گرفتیم، بگذارید برای شما از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷، تمام مسابقاتی را که ایران شرکت کرده بود، مرور کنم. حتی تورنمنت‌های سطح پایینی که شرکت کرد، کلاً ۹ مدال گرفته بود. دوره اول ریاست من که دو سالش به کرونا و تعطیلی مسابقات گذشت، ما ۶۷ مدال با ارزش بین‌المللی گرفتیم که بخشی از مدال‌ها مربوط به مسابقات جام جهانی و کسب سهمیه المپیک بود. معتبرترین مسابقات هستند که قهرمانان دنبال سهمیه المپیک هستند و هرچه دارند، اراته می‌کنند. ما در این مسابقات شرکت کردیم و ۶۷ مدال باارزش گرفتیم. نتیجه کمی نیست. در قهرمانی آسیا مدال‌گرفتن، در «وردکاپ»‌ها، قهرمانی‌های معتبر جهانی مدال‌گرفتن باارزش بود. در المپیک جوانان مدال گرفتیم. ایران کم‌کم رخ عوض کرد و کشوری شد که شاید از رنژیک نزدیک صاف شروع کردیم. سال اول فعالیت‌های من که به‌هرحال کم هم نبود، شصت‌ونهم دنیا شدیم. سال بعدش پنجاهم شدیم و سال آخر اولین حضور من در فدراسیون جزو ۴۴ کشور اول دنیا بودیم با دو حق

رای در مجامع جهانی. یعنی ما جزء اکثریت‌ها بودیم و کار فدراسیون را به پایان رساندیم. دو سال سنگ‌اندازی کردند که من نیایم. مانع حضورم در انتخابات شدند، هر چیزی را که فکر می‌کرد تجربه کردیم. اما خدا را شکر سر بالا و سینه ستبر داریم و درست کار کردیم و من خیلی ممنون هستم از مدیریت خردمندانه آقای کیومرث هاشمی، از همکاری‌های کمیده ملی المپیک آقای خسروی‌وا که بستر انتخابات قانونی را برای فدراسیون ژئمناسْتیک مهیا کردند، ناظران

بعد از حدود ۵۰ سال، یک تیم از رشته ژئمناسْتیک زنان (ترامبولین) موفق شد جواز حضور در مسابقات برون‌مرزی را کسب کند؛ اتفاقی تاریخی که اوایل سال جاری افتاد و قطعاً می‌تواند پیامدهای مثبتی برای ورزش زنان به‌ویژه ژئمناست‌ها داشته باشد. ورزش ایران در حالی شاهد چنین اتفاق مهمی بود که یک زن ریاست فدراسیون ژئمناسْتیک

افسون حضرتی

را بر عهده دارد؛ زهرا اینچه‌درگاهی. او تنها رِئس زن یک فدراسیون المپیکِی در ایران محسوب می‌شود. در استودیو «شرق» میزبان زهرا اینچه‌درگاهی بودیم و او در گفت‌وگویی مفصل درباره مسائل مختلف ژئمناسْتیک و شرایطی که این رشته ورزشی جذاب دارد، صحبت کرد.



زهرا اینچه‌درگاهی، رئیس فدراسیون ژئمناسْتیک، در گفت‌وگو با «شرق»

# الگوی زنان نشدم، درس عبرت شدم

نیست، موفقیت و اقبال ورزش کشور است. کشورهایی که این دیدگاه را دارند و از ژئمناسْتیک حمایت بسیار می‌کنند، در مسابقات پرافتخار ظاهر می‌شوند. کشورهای دیگر که ژئمناسْتیک‌شان مطرح است، در رشته‌های دیگر هم مطرح هستند. کشوری که در ژئمناسْتیک حرفی برای گفتن داشته باشد در ورزش حرف برای گفتن دارد. از محل اعتبارات دولتی -من با قول‌ها و اعتبارات جانبی کار ندارم- آن ردیفی که از بودجه عمومی در نظر گرفته شده و به‌عنوان اعتبارات دولتی تعریف می‌شود، برای فدراسیون ژئمناسْتیک در سال جاری ۱۷ میلیارد تومان است. جامعه ورزشی ما حدوداً ۳۰۰ هزار نفر مخاطب دارد. مخاطب‌هایی که فدراسیون پزشکی ورزشی آمارش را اعلام کرده. ما در ردیف جمعیتی، پنجمین رشته شلوغ ورزشی‌تا قبل از تابستان بودیم که معمولاً در تابستان شلوغ‌تر هم می‌شود و شاید به رشته چهارم و سوم تبدیل شویم. ۱۳ رشته ورزشی از جمله ژئمناسْتیک موفق شدند به المپیک بروند و پرچم ایران به‌عنوان کشوری که سهمیه المپیک را گرفته در سالن مسابقات نصب شد. در حال حاضر ما جایی هشتم نزدیک به فدراسیونی که ۱۵ میلیارد اعتبار می‌گیرد و فقط ۱۸۰ ورزشکار دارد؛ اگر اشتباه نکنم هفت هیئت استانی دارد، درحالی‌که ۳۱ هیئت ورزشی در تمام استان‌ها داریم به غیر از مناطق آزاد. آنها مسابقات بین‌المللی چندانی ندارند، اصلاً المپیک و بازی‌های آسیایی ندارند. چرا ما باید در این ردیف دیده شویم؟ تازه گاهی همین به ما کامل پرداخت نمی‌شود و ما فقط سعی می‌کنیم اعتبارات‌مان را درست خرج کنیم. البته من از آقای مناف هاشمی که فرد زحمتکش و بسیار قابل احترامی هستند، خواستم اعتبارات ما را با دیدگاه دیگری نگاه کنند و امیدوارم برای سال آینده این مسئله لحاظ شود.

**استعدادیابی ورزشکارانی مثل مهدی الفتی با اعضای تیم زنان که برای مسابقات ترامبولین رفتند، در خانواده‌هایشان شکل گرفته یا مثلاً از شرکت در کلاس‌های تابستانی رشد کردند؟ آیا فدراسیون بخش استعدادیابی دارد که ژئمناست‌ها را شناسایی کرده و پرورش دهد؟**
همه وسایل را ما و هیئت‌ها تأمین می‌کنیم. در سالن‌هایی که سالان‌های هیئت هستند و سالن‌هایی که سالن‌های فدراسیون ژئمناسْتیک هستند طبیعتاً ابزار و وسایل و همه موارد توسط متولی تأمین می‌شود، فقط یک شهریه پرداخت می‌شود که فکر می‌کنم در حداقل‌های ممکن است. خدمات آموزشی را می‌گیرند، در مسابقات شرکت می‌کنند. مسابقات قهرمانی کشور در رشته‌هایی که برگزار می‌شود کاملاً رایگان است و خوابگاه، تغذیه، برگزاری مسابقات و جواز همه موارد از سمت فدراسیون یا یک وسعت زیاد تأمین می‌شود؛ چون شرکت‌کننده‌ها خیلی زیاد هستند. برای مسابقات لیگ، مبلغ پرداختی برای ورودی وجود دارد که آن هم بخشی از هزینه‌هاست و باقیی هزینه را فدراسیون مشارکت می‌کند. در واقع تقسیمی است بین ما و شرکت‌کننده‌ها و فکر می‌کنم این خاستگاه، خاستگاه خوبی است؛ به همین خاطر اینکه ما تیم‌های ملی‌مان را از همین مسابقات انتخاب می‌کنیم. البته استعدادیابی با برنامه‌های دیگر هم همراه می‌شود، اما یک معبر خوب که بچه‌ها از آن عبور می‌کنند و وارد تیم‌های ملی می‌شوند، مسابقات انتخاب کشوری است. مریمان تهرانی‌های ملی و کارشناسان استعدادیابی در این مسابقات حضور دارند. اتفاق خوبی‌که در فدراسیون افتاده این است که ما مسابقات کشوری نونهالان و نوجوانان را تعریف کردیم. سال گذشته این مسابقات برگزار شد، فکر می‌کنم حدود ۶۰۰ نفر شرکت کردند. اگر اشتباه نکنم سال قبل و از بین آنها ما youth elite team را که معادل تیم ملی نوجوانان می‌شود، انتخاب کردیم. می‌دانید که برای سن زیر جوانان ما واژه تیم ملی را خیلی به کار نمی‌بریم. در واقع برگزارگان

ملی هستند. ژئمناسْت‌ها وارد اردو شدند، تمرینات جدی را انجام دادند و در مسابقات بین‌المللی که چند وقت پیش اعزام داشتیم، این پچه‌ها توانستند هم در بخش تیمی و هم انفرادی، شش اسباب و تک‌اسباب در ماده‌های مختلف عمده‌تا مدال‌های طلا را بگیرند. ما قهرمان تیمی و تیم نامدار مسابقات بودیم و آن مسابقات با شرکت کشورهای اروپایی و کشورهایی بود که برنامه‌های توسعه و قهرمانی را برای نسل بعدی‌شان از همین مبدأ تعریف می‌کنند. در واقع ما یک خانه را برای تیم ملی تعریف کردیم که از آنجا تیم ملی جوانان حمایت می‌شود و از تیم ملی جوانان هم تیم ملی بزرگسالان. این خانه گنجینه ماست که فدراسیون در حال حفظ، نگهداری و پربارترکردن آن است و تمام هزینه‌ها را فدراسیون می‌دهد. برای اعزام‌ها ورزشکاران ما حتی یک ریال نمی‌پردازند و خانواده ورزشکار درگیر هیچ پرداختی نمی‌شود و همه را فدراسیون تقبل می‌کند.

**آیا آماری دارید که بعد از اعزام تیم ترامبولین دختران به روسیه علاقه‌مندی در بین دختران به ورزش ژئمناسْتیک بیشتر شده باشد؟**
به وضوح گزارشی که ما از همه استان‌ها داریم این است که گرایش خانم‌ها به ژئمناسْتیک چند برابر و ماندگاری قهرمانان‌مان هم در ژئمناسْتیک خیلی بیشتر شده است. قبلاً به یک سطحی که می‌رسیدند، می‌گفتند ما آینده نداریم و بنابراین علی‌رغم اینکه قهرمانان خوبی برای ژئمناسْتیک بودند، به رشته‌های دیگر می‌پرداختند، اما امروز در ژئمناسْتیک باقی می‌مانند. وقتی خانم‌ها اعزام می‌شوند، اتفاقات خوبی به دنبال آن رخ می‌دهد و من این بخش را به‌عنوان یک یادگاری خوب مدیریتی برای خودم نگه می‌دارم. تا قبل از این اعزام‌ها، ما کچهگاه شاهد این بودیم که دختران‌مان برای اینکه مسابقه بدهند حتی ممکن بود مهاجرت کنند و این اتفاق خوبی نبود و موفق نمی‌شدند در مسابقات خارجی شرکت کنند. این سودا، این تصور و این تفکر شاید آنها را وادار می‌کرد از خانه‌شان فاصله بگیرند. اما امروز دختران ما شب خانه پدری‌شان می‌خوابند، صبح با یک پاسپورت در کیف‌شان، با احترام در مسابقات رسمی که رزومه زندگی ورزشی آینده‌شان حساب می‌شود، شرکت می‌کنند و در امنیت کامل به خانه برمی‌گردند. این امنیت و شرایط خوب شرکت را واقعاً فکر می‌کنم می‌توانیم به‌عنوان یک نقطه طلایی در ژئمناسْتیک ثبت کنیم و شرکت دختران در مسابقات بین‌المللی خارج از ایران به نظر من به اندازه یک طلای المپیک در ژئمناسْتیک مؤثر بود و باید به یاد بماند.

**چه راهی طی شد که بالاخره مسیر اعزام ترامبولین به مسابقات برون‌مرزی هموار شد؟ چون معمولاً فدراسیون‌های جهانی روی مسئله پوشش و آسیب‌نازبون‌د لباس برای ورزشکار حساسیت‌هایی دارند.**

من دوره اول که وارد فدراسیون ژئمناسْتیک شدم، سعی کردم ارتباطات خوبی با فدراسیون جهانی ژئمناسْتیک برقرار کنم. الان که برای دور دوم رئیس شدم، عضو کمسیون تساوی جنسیتی جهان هستم و فکر می‌کنم هشت عضو دارد. به نظرم راهی که طی کردیم منطقی بود و اینکه اول ژئمناسْتیک ایران را به دنیا بشناسانیم. خیلی‌ها حتی فکر می‌کردند ما دختر ژئمناست در ایران نداریم؛ شرایط فرهنگی ایران به‌گونه‌ای است که دختران ژئمناسْتیک ندارند که این باور را سعی کردیم تغییر دهیم. سال ۹۷ من در حاشیه اجلاس فدراسیون جهانی ژئمناسْتیک با خانم «نیلِی کیم» که نایب اول فدراسیون جهانی ژئمناسْتیک بود، دیدار کردم و ایشان را با خودم به ایران آوردم. اجلاس در کشور جمهوری آذربایجان برگزار شد و خب به ایران نزدیک بود. وقتی او عملکرد دختران را دید، گفت فکر نمی‌کردم دختران‌تان در این سطح باشند. گفتم به خاطر قوانین فدراسیون جهانی دختران ما از شرکت در مسابقات محروم هستند، کمک کنید که این مشکل حل شود. فدراسیون جهانی ژئمناسْتیک هم رویکرد خوبی را به ما نشان داد و در آن بخش‌هایی که می‌شد، مجوز را توانستیم به صورت نامه از آنها بگیریم که با هر پوششی که ایران اجازه می‌دهد، به دختران شما اجازه شرکت می‌دهیم.

**قطعاً برای چنین اتفاقی نیازمند تأیید و موافقت ارگان‌ها یا بخش‌هایی بودید که به نظر می‌رسد همراهی لازم صورت گرفته است.**

من با تجربه‌ای که از دوره قبل داشتم و در نهایت همکاری نشد، در دوره جدید هم از همان روزهای اول دوباره به فکر اعزام دختران بودم. صحبت‌هایی که کرده بودیم منجر به این شد که یک داورِ ترامبولین در صفحه ۲۷ حجاب را به‌عنوان پوشش پذیرفته‌شده بنویسد. این نقطه خوبی بود که با نامه فرق داشت. مثل تفاوت پژوهشی است که در مقاله نوشته شود یا در تست‌بوک‌های علمی. وقتی مقاله‌ای در تست‌بوک وارد شود، دیگر قابل بحث نیست، بنابراین ما روی ترامبولین سرمایه‌گذاری کردیم. لباس را خیلی سریع طراحی کردیم و خواستیم برای تصویب آن از فدراسیون جهانی به ایران بیایند، اما چون این ذهنیت را داشتیم که ممکن است دوباره طول بکشد و این اتفاق نیفتد، سعی کردم مسیرهای دیگری را هم طی کنم. یکی از آنها درخواست از صداوسیما بود که بریده‌هایی از مسابقات دختران را حین ژئمناسْتیک پخش کند؛ چون کاملاً پوشیده بودند و حرکات هم هیچ موردی نداشتند و صداوسیما آن‌ها را کرد که در این میان ما می‌توایم ممنون هستم. زیرا حرکت تأثیرگذاری بود. از طرف دیگر، با یک نام معروف و نهی از منکر صحبت کردم و خیلی خوشحال هستم که آنها هم رویکرد مثبتی به این قضیه نشان دادند. من یک روز رقم ستاد امر به معروف و نهی از منکر، صحبت کردم راجع به اینکه ورزش به هر حال یک معروف شناخته می‌شود و خواستم از ما برای اعزام دختران‌مان حمایت کنند. آنها برای بازدید میدانی که از فدراسیون دختران ما با همان حجاب کار کردند و مسئولان بانوان‌شان بازدید را انجام دادند، موافقت کردند و به دختران ما خسته نباشید گفتند. به هر حال فکر می‌کنم حواظ سخت‌گیرانه صداوسیما وقتی اجازه پخش این تصاویر را داد و وقتی ستاد امر به معروف و نهی از منکر آمد و موافقت کرد و درواقع وقتی این دو بخش به ما کمک کردند، وزارت ورزش هم راحت‌تر این بار تصمیم‌گیری کرد و ما با مشکلات دفعه پیش مواجه نشدیم.

**اعزام بعدی تیم زنان به مسابقات بین‌المللی مشخص است؟**
رویکردمان این بود که در زمستان هم تیم را به مسابقات دیگری اعزام کنیم، اما با توجه به شرایطی که در حال حاضر ایجاد کرده‌اند، حتی قهرمانان ما از ثبت‌نام «ورد چمپیون‌شیپ» هم بازماندند. امیدوارم هرچه سریع‌تر این ماجراهایی که در واقع برای فدراسیون ژئمناسْتیک درست می‌کنند، تمام شود و ما بتوانیم تمرکزمان را روی کارهای فنی بگذاریم.

**دقیقاً چه ماجراهایی؟**

پرورنده‌سازی‌هایی که از قدیم وجود داشته و امروز با جدیت پیگیری می‌شود. پرورنده‌ای که سه سال از عمر آن گذشته. مسئله‌ای که دوست ندارد زهر درگاهی دیگر رئیس فدراسیون باشد.